

علل و پیامدهای قحطی ناشی از جنگ جهانی اول در همدان

علیرضا علی صوفی*

شهرام غفوری**

چکیده

با آغاز جنگ جهانی اول در ماه اوت ۱۹۱۴م، همدان از جمله شهرهایی بود که در این واقعه جهانی دچار صدمات فراوانی گردید. این شهر که بر سر راه‌های مواصلاتی، بازرگانی و زیارتی غرب کشور قرار داشت پیامدهای این جنگ را با مشکلاتی نظیر قحطی ویرانگر، مرگ و میر فراوان انسانی و کاهش قابل ملاحظه جمعیت شهری و روستایی، خرابی زمین‌های کشاورزی و نابودی فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی تجربه کرد. چرایی و چگونگی ایجاد قحطی و پیامدهای اجتماعی مترتب بر آن در واپسین سال‌های حکومت قاجاریه موضوع اصلی تحقیق پیش رو است که با روشی توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد و مدارک موجود سعی شده تا ابعاد تازه‌ای از این رویداد سیاسی - اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به مساله بنیادین این تحقیق در خصوص علت شناسی شکل‌گیری پدیده قحطی در همدان، نتایج پژوهش گویای این واقعیت است که هرچند علت اساسی آن را باید در جنگ و حضور بیگانگان در منطقه جستجو کرد اما عواملی از قبیل احتکار، خشک‌سالی، بیماری و فقدان امنیت اجتماعی نیز مزید بر علت بوده است.

کلیدواژه‌ها: همدان، خشک‌سالی، روس، انگلیس، قحطی، جنگ جهانی اول، عثمانی.

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام‌نور (نویسنده مسئول)، ar.soufi@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام‌نور، Shahram.ghr@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۵

۱. مقدمه

یورش نیروهای متخاصم به خاک ایران در اثنای جنگ جهانی اول با وجود اعلام بی طرفی این کشور که سند آن را مستوفی الممالک در تاریخ ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲ق / اول نوامبر ۱۹۱۴ به امضای احمد شاه رسانید (احرار، ۱۳۵۲: ۳۷/۱) موجب صدمات و مصائب فراوانی برای مردم ایران گردید. همدان در غرب ایران یکی از شهرهایی بود که چون بر سر راه های ارتباطی مهم تجاری - نظامی قرار داشت از طرف هر دو گروه درگیر مورد توجه ویژه ای قرار گرفته بود. از سویی روس ها فتح آنرا جهت حمله به کرمانشاه و رسیدن به دروازه های بغداد و رسانیدن کمک به نیروهای انگلیسی ضروری دانسته و از طرفی قوای عثمانی و آلمان و دموکراتهای ایرانی در جهت جلوگیری از پیشروی سریع روس ها قصد نداشتند به آسانی از همدان دست بردارند و بدیهی است که این مناقشات جز مصیبت و بدبختی برای مردم این شهر نتیجه ای در بر نداشته و ویرانی ثمره این حملات و تدافعات بوده است. بر این اساس، فرضیه تحقیق مبین آنست که گرسنگی و ویرانی و در پی آن قحطی و مرگ و میر فراوان اهالی از پیامدهای حضور نیروهای بیگانه بود. که این نتایج ناگوار بر اوضاع سیاسی - اجتماعی منطقه (شهری و روستایی) سایه افکنده و موجب خسارات جبران ناپذیر اقتصادی گردید. در پیشینه تحقیقات صورت گرفته در خصوص موضوع باید توجه داشت که منطقه همدان کمتر به صورت مشخص و مجزا مورد بررسی قرار گرفته است. در آثار محققان ایرانی از جمله (آبادیان، ۱۳۸۵) مسائل مبتلا به همدان تنها زمانی مورد اشاره نویسنده قرار گرفته که در گیری های نیروهای متخاصم در منطقه صورت پذیرفته است ولی زمینه ها و علل بروز قحطی مورد مذاقه جامع قرار نگرفته است. در خاطرات افراد حاضر در صحنه حوادث نیز شهر همدان، گذرگاهی بوده است مهم که بین ژاندارم ها و روس ها دست به دست می شده است (دیوان بیگی، ۱۳۵۱). و یا نویسنده دیگر (مجدد، ۱۳۸۷) با دیدی سیاسی و تنها با تکیه بر اسناد یک کشور (آمریکا) به ارزیابی حوادث مربوطه پرداخته است. نیروهای انگلیسی هم با اثر (دنسترویل، بی تا) به تیره کردن خود از دخالت در قحطی پرداخته و در مواردی نیز عامل محلی را علت پیامدهای ویرانگر معرفی و عوارض اجتماعی ناشی از این بحران را طبیعی قلمداد کرده است که این نمی تواند بازگوکننده همه واقعیت این حادثه باشد. باین توضیحات، نوآوری و اهمیت پژوهش پیش رو در این است که به طور خاص و موردی به بررسی وضعیت همدان در جنگ اول پرداخته و سعیر آن داشته تا با تحلیلی منطقی، علل و عوامل دخیل در قحطی را مورد

ارزیابی قرار دهد. بنابر این هدف این پژوهش، تلاش در جهت پاسخ‌گویی به این سوال اصلی است که: چرا و چگونه جنگ جهانی اول باعث و بانی قحطی گسترده و پیامدهای عظیم ناشی از آن در منطقه همدان گردید؟

۲. ایران و جنگ جهانی اول

در آغاز جنگ جهانی اول اوضاع ایران از دیدگاه یک مأمور خارجی، ترکیبی بود از مشکلات اقتصادی، کشمکش‌های سیاسی، حضور نیروهای روس و انگلیس در مناطق مختلف، ضعف دولت مرکزی، سرکشی ایلات و عشایر و نبود ارتشی مجهز و وفادار. (اولسون، ۱۳۸۰: ۴۹) و آن چه که باعث شده بود تا این حاکمیت به یک مستعمره کامل تبدیل نشود همانا رقابت روس و انگلیس بود. (میروشنیکف، ۱۳۴۴: ۳۰) در عین حال با افتتاح مجلس سوم فعالیت احزاب و مطبوعات و گروه‌های سیاسی نیز از سر گرفته شد. (ملاتوانی، ۱۳۷۸: ۴۴) جناح‌های سیاسی در مجلس سوم یعنی دموکرات‌ها و اجتماعیون اعتدالیون بر سر این موضوع مهم که آیا به اتحاد با آلمان در نبرد با روسیه و انگلستان به پیوندند یا خیر درگیری و منازعه داشتند (قطبی، ۱۳۷۰: ۷) تعداد زیادی از این مردان و سیاسیون طرفداری از آلمان را حمایت از دشمن دشمنان خود می‌دانستند و خود را هوادار متحدین قلمداد می‌کردند (عاقلی، ۱۳۷۰: ۳۸) آنان بر این تصور بودند که با پیروزی آلمان در جنگ امکان دارد دست روس و انگلیس از سر ایران کوتاه شود (دیوان بیگی، ۱۳۵۱: ۳). و در این وضعیت نابسامان بود که جنگ جهانی آغاز شد. در این وضعیت، بی‌طرفی ایران در جنگ چه اهمیتی می‌توانست داشته باشد؟ (احرار، ۱۳۵۲: ۶/۱) عثمانی اولین کشوری بود که این بی‌طرفی را نقض کرد و به بهانه ناامن بودن مرزهای خود در مناطق کردستان و آذربایجان با حدود شش هزار سرباز پیاده و سوار نواحی قطور و مه‌آباد را متصرف شد (قطبی، همان: ۱۰). با ادامه درگیری‌ها و حضور نیروهای عثمانی و مأمورین آلمانی در ایران، دولت تزاری روس هم برای آنکه از قافله عقب‌نماند دستور اعزام نیروهایش به ایران را صادر کرده و در اکتبر ۱۹۱۵م/۱۲۹۴ش نیروهای روسی به فرماندهی ژنرال باراتف وارد انزلی شدند (همان: ۱۱) این نیروها قرار بر این داشتند که پس از استقرار در کرج به سه گروه تقسیم شده و جهت انجام عملیات نظامی به طرف قم، تهران و همدان رهسپار شوند (میروشنیکف، همان: ۵۸) در پی این وضعیت و با هماهنگی حزب دموکرات در مجلس و کسب رضایت مستوفی‌الممالک، دسته‌ای از مردم اعم از روحانیون، نمایندگان

مجلس، طرفداران حزب دموکرات و تعداد زیادی از افراد از هر قشر و گروهی که به صورت جدی به این تهدید روس‌ها می‌نگریستند راه خروج از تهران را پیش گرفته و به سوی قم حرکت کردند تا بدینوسیله حرکت معروف به «مهاجرت» را در تاریخ ایران تحقق بخشند (ملاطوانی، همان: ۱۵۴). پس از رسیدن به قم، مجاهدان و سیاست‌مداران تصمیم به تشکیل یک «حکومت ملی» گرفته (میروشنیکف، همان: ۵۷) و جنگ با روس و انگلیس را رسماً آغاز کردند.

۳. همدان در کانون مناقشات

همدان که در گستره‌ای به مساحت ۲۰۰۰۰ کیلومترمربع در غرب ایران، بین ۳۳ درجه و ۵۹ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۶ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۵) براینیروهای درگیر مهم ارزیابی می‌شده است. برای آلمان‌ها همدان به عنوان نقطه تلاقی خطوط مواصلاتی در جاده کرمانشاه " از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. (گرکه، ۱۳۷۷: ۶۹۷/۲) آنان قصد داشتند در این ناحیه که برایشان به "شاهراه خانقین - کرمانشاه - همدان" معروف بوده با نیروهای روسی بجنگند. (میروشنیکف، همان: ۵۱). با پناهنده شدن کنسول‌های روس و انگلیس مستقر در کرمانشاه به همدان که از ترس شونمان آلمانی صورت پذیرفته بود، کشمکش‌ها بیشتر شده و بی‌گمان ایجاد بی‌طرفی در شهری که مردم نسبت به آلمان‌ها تمایل بیشتری داشتند توسط حکومت محلی آسان نبوده است. (اتحادیه، ۱۳۴: ۱۳۹۱). از سویی دیگر شایعاتی از ورود قزاقان روسی به همدان در جهت مراقبت از جان نمایندگان سیاسی و اتباع آن کشور و اموال بانک‌های شاهی و استقراری باعث هیجان، نگرانی و ترس مردم شهر شد. (همان: ۱۳۵) موضع‌گیری نماینده دولت عثمانی در اقدام متقابل به این عمل مردم شهر را بیش از پیش دچار اضطراب نمود. شهیندر عثمانی در همدان با برگزاری مجالسی از مردم و اتباع خود خواسته بود که برای جنگ با دشمنان و پوشیدن لباس رزم ثبت نام کنند. (همان: ۱۳۴). در ۸ رجب ۱۳۳۳ ق "ورود چند نفر قزاق روس به همدان" موجب هیجانات عظیمی در مردم شد. (فرید، ۱۳۵۴: ۴۴۵) و منجر به ارسال تلگرافات متعددی از سوی مردم همدان به تهران و نمایندگان مردم این شهر در مجلس شورای ملی گردید. (اتحادیه، همان: ۱۳۷) که در آنها خواستار بازگشت نیروهای روس از همدان شده بودند. این را باید نقطه شروع رسمی درگیری‌ها در همدان قلمداد نمود. با در هم شکستن دیوار

دفاعی نیروهای ژاندارم در ۱۹۱۵ م روس‌ها وارد همدان شدند. "منطقه کاملاً زیر سلطه آمد لکن هنوز چون به اسم ایرانست از چپاول مضایقه نمی‌کنند..." (هدایت، ۱۳۶۳: ۳۳۲) نیروهای ژاندارم وماژور دماره سوئدی که فرمانده ژاندارمری لرستان بود به سختی از گردنه اسدآباد دفاع کردند اما روسها به پیشروی خود به سوی کرمانشاه ادامه دادند (قائم مقامی، ۱۳۳۴: ۱۴۱). باگذشت مدتی از جنگ همدان به دست نیروهای عثمانی افتاده و اندک زمانی بعد با عقب‌نشینی عثمانی‌ها مجدداً سربازان تزاری صاحب اختیار این شهر می‌گردند. با وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م و صدور دستور خروج نیروهای روسی از همدان، تخلیه منطقه آغاز می‌شود اما غارت و ویرانی هم چنان ادامه داشته و انگار پایانی ندارد. مردمی که نه سلاحی داشتند و نه "قادر به دفاع از خاک خود از هجوم متحارین" بودند از "جزرومد آرتش‌های روس و ترک صدمات و خسارات هنگفت دید." (سایکس، ۲: ۱۳۶۳/۶۱۴). این همه حوادث تلخ، طلیعه آغاز دردناکترین پی‌آمد جنگ در همدان است. قحطی از راه می‌رسد.

۴. پیامدهای قحطی در همدان

ظهور قحطی در مقیاسی بزرگ از "بزرگترین تراژدی‌های تاریخ معاصر ایران" و برپادهنده جان و مال مردم بسیاری در منطقه و همدان بود. اما شیوع آن در همدان را می‌توان از دوره مشروطه مورد بررسی قرار داد. (آبادیان، ۱۳۸۵: ۲۱۳). از آغاز سال ۱۳۳۰ ق است که زمزمه‌های کمبود مواد اولیه و گرسنگی منجر به قحط و غلاء در غرب و همدان به گوش می‌رسد. شروع ماجرا از بروجرد بود که به سرعت به ملایر و همدان نیز کشیده شد. ایجاد کمیته‌ای با نام اعانه قحطی‌زدگان در جهت یاری رساندن به قحطی‌زدگان بروجرد و جمع‌آوری کمک‌های نقدی و جنسی برای مردم محتاج بروجرد ناچاراً برای ملایر و همدان هم فرستاده می‌شود. (همان: ۲۱۸). در روزنامه آفتاب اولین اخبار رسمی از قحطی بی‌سابقه و گرسنگی مردم در قالب اعلامی که سردار اسعد بختیاری در آن منتشر کرده به چشم می‌خورد. (همان: ۲۱۸). فضای اقتصادی این شهر با حملات سالارالدوله هنوز سر و سامانی به خود نگرفته بود که هجوم نیروهای بیگانه آغاز شد و به تعبیری از افول مشروطیت تا شکست ژاندارم‌ها یعنی از ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۴ ق و خروج نیروهای مردمی از همدان و ورود روس‌ها به آن، این شهر قدرت باز تولید مجدد مواد غذایی و کشت مزارع را از دست داده بود. سختی و قحطی حاصل از جنگ‌های پیاپی آنچنان بر مردم فشار آورده بود که دیگر

قادر به شناسایی دوست از دشمن نبودند. (احرار، ۱۳۵۲: ۶۳۴/۲). با بروز انقلاب بلشویکی در روسیه و خروج این نیروها از منطقه، موج دومی از تورم، قحطی، نا امنی، گسترش بیماری‌های واگیر (ملاتوانی، همان: ۲۶۲) و احتکار، شهرها را درنوردید. عده‌ای از گرسنگی و گروهی از ترس هجوم دوباره نیروهای عثمانی تمام مایملک خود را جهت تهیه مقدار کمی مواد خوراکی به حراج می‌گذارند. و "بسیاری از وسایل عتیقه را به پیشیزی به فروش می‌رسانند." (کلارارایس، ۱۳۸۳: ۱۳۹). با ورود نیروهای بریتانیایی به منطقه همدان، آنان روستاهایی را می‌بینند که خشکسالی آنها را به درجه‌ای اسیر قحطی نموده که مجال و فرصتی برای رهایی از آن در کوتاه مدت‌نمیشد متصور بود. (دنسترویل، بی تا: ۱۳۸) در سال ۱۹۱۶م، با حمایت وزیر مختار آمریکا در ایران، کمیته خیریه ایران تشکیل شده که با استفاده از مبلغین مذهبی و میسیونرهای آن کشور کمک‌های بشردوستانه را به دست مردم گرسنه شهرها از جمله همدان می‌رسانند. (میروشنیکف، همان: ۱۰۶). در همدان به روایتی حدود سی هزار فقیر در طرح اطعام ثبت نام می‌کنند. (آبادیان، همان: ۲۵۷) این میسیونرها سعی در رفع گرسنگی روزانه چندین هزار نفر از مردم شهر را می‌نمایند (مجد، ۱۳۸۷: ۵۱) دو مرکز همزمان با ورود نیروهای دنسترویل به این شهر مشغول یاری رساندن به قحطی‌زدگان هستند، یکی شعبه بانک شاهنشاهی و دیگری همین میسیون مذهبی آمریکایی است (دنسترویل، همان: ۱۳۹) بعدها با استقرار کامل نیروهای دنسترویل در همدان، اطعام به این فلاکت‌زدگان در مقابل کار و آنهم برای جاده سازی اطراف شهر و "تعمیر و مرمت جاده‌های قدیم" تعلق می‌گرفته است. (همان: ۱۴۰). جالب است مردم فقیری که نای برخاستن از جای را به خاطر گرسنگی نداشته‌اند این زمان به جهت دریافت لقمه‌ای نان به کارهای سختی چون جاده سازی می‌پرداخته‌اند. اما تعداد ده هزار نفر که اکثر آنان زن و کودک بودند در چنگال قحطی گرفتار بوده و کمکه‌ها تنها شامل نیمی از آنان می‌شده است. (همان: ۱۴۰) اما در این میان دولتین چه کار مفیدی انجام داده‌اند؟ به دلیل سراسری بودن خشکسالی و قحطی در ایران دولت احتمالاً قادر نبوده است تمام کشور را در جهت کمک و یاری به قحطی‌زدگان پوشش بدهد و مردم مناطق مختلف از جمله همدان به ناچار چشم به یاری دشمنان دوخته بودند تا دوستان گران و قحطی و احتکار دست بسیاری از مردم همدان را از قوت لایموت، حتی لقمه‌ای نان کوتاه کرده بود. کندن و خوردن علف‌های روی زمین همچون حیوانات از معمولی‌ترین روش‌های رفع گرسنگی مردم بوده که خود به مرگی دردناک منتهی می‌گردیده است. مردم شهر به آدم‌خواری نیز روی آورده بودند.

(سفیری، ۱۳۶۴: ۲۱۰). دزدیدن بیچه‌های کوچک از جلوی درب خانه‌ها و یا در شلوغی بازار در همدان رواج پیدا کرده بود. اغلب دزدان زنان هستند. در نمونه‌ای، ده زن توسط نظمی شهر بازداشت می‌شوند. اعتراف آنان به ربودن و خوردن تعدادی کودک فقط به علت گرسنگی است (همان: ۵۱). مورد دیگر دستگیری مادر و دختری است که به جرم ربودن، کشتن و پختن دختری هشت ساله‌زدانی و بعداً اعدام می‌شوند. (همان: ۵۱) نکته جالب صدور سریع احکام این‌گونه متهمان است. اعدام چنین افرادی که اعظم آنان از زنان بودند شاید فقط به خاطر فرونشاندن احساسات جامعه همدان آنروز بوده باشد و یا ترساندن دیگران از دست یازیدن به چنین اعمالی. بی تردید قحطی با خود تلفات شدید انسانی نیز به همراه داشت. تعداد موارد مرگ و میر متناقض است. تنها در غرب کشور صحبت از مرگ و میر صدها هزار تن و ویرانی صدها دهکده است. (آبادیان، همان: ۲۲۲) در موردی از مرگ پنج میلیون نفر (همان: ۲۲۱) و در ادعایی ثابت نشده از ۱۰ تا ۱۳ میلیون جان باخته در ایام جنگ سخن رفته است (مجدد، ۱۳۹۰: ۵۳۷) هر چند ارائه آمار دقیق که حجم و عظمت این همه کشته انسانی را بنمایاند به درستی ممکن نیست (ملا توانی، همان: ۲۹۰).

۵. بررسی علل قحطی در همدان با تکیه بر پیامدهای اجتماعی آن

هرچند زمینه‌های بروز قحطی در همدان را باید در قبل‌تر از سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ پیگیری کرد اما با توجه به عنوان تحقیق، بررسی علل قحطی در همدان می‌بایست در بازه زمانی جنگ اول جهانی مورد مذاقه قرار گیرد. بدین لحاظ علل مطرحه در قالب چند مولفه در ذیل بررسی می‌شود.

۱.۵ خشک‌سالی، کمبود محصول

کمبود گندم و ناسازگاری طبیعت با آغاز سال ۱۳۳۴ق آینده تاریکی را برای نه تنها همدان بلکه تمام نقاط ایران بوجود آورده بود. کاهش نزولات جوی و در ادامه خشک‌سالی نگرانی بیشتر مردم گردیده بود. (آبادیان، همان: ۲۱۷) به علت کاهش بارندگی زمین‌ها و دیم زارها زیر کشت نرفته بودند. (سالور، ۱۳۷۸: ۷) (۴۹۲۸/۱۳۷۸) بارسیدن فصل بهار مردم منطقه به این امید بودند که هوا با آنان سر سازگاری پیدا کند اما هوای بهاری هم خیال بارندگی نداشت. (سالور، ۱۳۷۸: ۶/۴۶۹۸) در آن سال که تا اواخر پاییز وزمستان قطره‌ای باران زمین‌های

منطقه را سیراب نکرده بود (ذکر صدمات، ۱۳۹۱: ۲۹) اما نه تنها در بهار بلکه در تابستان و پاییز هم زمین‌ها محصول آنچنانی نداشته و زمین‌ها از بی‌آبی می‌سوزند. (کسروی، ۲۵۳۷: ۶۸۸/۲) سال ۱۲۹۶ ش راز منحوس‌ترین سال‌ها برای ایران نامیده اند (آبادیان، همان: ۲۸۹) بیش از یک سال ونیم بود که بارانی نیامده و خشکسالی وارد مرحله حاد خود شده بود. (مجد، همان: ۷۰) شهرهای کشور به خصوص همدان به طور جدی با کمبود مواد غذایی روبه‌رو می‌شوند (اولسون، همان: ۳۵۳) به نظر می‌رسد با حضور عواملی چون خشکسالی و کاهش نزولات جوی در چند سال متوالی در منطقه، باید شاهد پیدایش عاملی بنام گرانی بود که بیش از پیش بر سرنوشت مردم همدان و منطقه تاثیر مخربی برجای گذارد. کمبود و گرانی گندم و فراورده آن یعنی آرد که قوت بیشتر مردم ایران است (اولسون، همان: ۳۵۴) در همدان نیز باعث آشوب و بلوا گردیده است. قیمت یک خروار گندم در همدان به دو بیست و سی تومان رسید که در مواقع عادی به دوازده تومان عرضه می‌شده است. از سویی دیگر پنجره امیدی که در حالت عادی به وفور و ارزانی گندم کمک می‌کرده است نیز با شروع جنگ و قطع واردات گندم از روسیه به خصوص بابت انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷م به‌طور کامل به روی مردم بسته شد. حتی واردات گندم از هندوستان نیز به علل جنگ در اروپا قطع شد. (داودی، ۱۳۷۲: ۲۵۲) هوای منطقه که به‌طور بی‌سابقه‌ای سردتر از سال‌های قبل از جنگ گردیده، امکان رشد هر گیاهی را از زمین‌ها سلب کرده بود. گردنه اسدآباد و آوج و راه‌های ورودی به شهر که در حالت عادی می‌توانست حمل مواد غذایی به این شهر قحطی زده را تسریع نماید کاملاً مسدود شده بودند و هیچ فرد یا وسیله‌ای امکان ورود به شهر در جهت کمک به اهالی را پیدا نمی‌کند. منطقه و شهر همدان از مناطق سردسیر بوده و به داشتن زمستان‌های سخت و سرد شهرت داشته است. تعداد روزهای یخبندان آن رادر سال به حدود ۶ ماه تخمین زده اند. (سعیدیان، ۱۳۸۸: ۶-۴) سرما و بوران به حدی می‌رسد که نیروهای روسی را در گردنه اسدآباد مورد آماج خود قرار داده و موجب مرگ شش سرباز و سی راس حیوان بارکش آنان می‌گردد.

۲.۵ احتکار مایحتاج عمومی - گرانی

مواد اولیه و تقریباً هر آنچه که مورد احتیاج مردم شهر بود توسط محتکران در انبارها نگهداری می‌شد تا با قیمت‌هایی گران و خارج از توان مردم عادی فروخته شود. توجه به این مطلب ضروری است که احتکار در مواقع بحرانی در ایران موضوع تازه‌ای نبوده

و تقریباً از دوره ناصرالدین‌شاه احتکار، گرانی و قحطی ملازم یکدیگر بوده‌اند. (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۴/۶). در معرکه جنگ عالمگیر هم اختیار اوضاع به دست محترکان افتاده بود. کارگزاران دولت در منطقه هم در این موضوع قادر به ایفای هیچ‌گونه کارکرد مفیدی در جهت ممانعت از این اعمال نبوده‌اند. (مجد، همان: ۷۳) به رغم برداشت خوب محصول در ۱۹۱۷ م دولت نتوانست نسبت به جمع‌آوری سریع گندم و جو اقدام مناسبی داشته باشد تا این محصول اندک هم سرازیر انبارهای محترکان محلی گردد. در همدان حکمران محلی منطقه واز خوانین بزرگ بنام امیر افخم اقدام به جمع‌آوری آرد و غله از تعداد زیادی از املاک روستایی خود نموده و در قریه‌ای بنام سردرود انبار می‌نماید. که حجم این مواد با تغذیه و خوراک یک سپاه بزرگ برابری می‌کرده است. (فروتن، ۱۳۹۰: ۱۱۶) محترکین در این دوره از احمد شاه گرفته تا محترکین محلی به هیچ‌وجه حاضر به در اختیار قرار دادن و باز کردن انبارهای خود (بزرگ امید، ۱۳۹۵: ۲۸۱) بر روی مردم گرسنه و قحطی زده نبودند. احتمالاً در همدان گندم و جو به قدر لزوم موجود بوده اما غارتگران به قیمت مرگ هزاران نفر از همشهریان نیز حاضر به وارد کردن موجودی انبار خود به سطح شهر نبوده‌اند. (دنسترویل، همان: ۱۳۸) حتی انگلیسی‌ها هم که در این برهه در همدان بودند خود را از زیر بار لعن و نفرین مردم دور کرده و به طور صریح اعلام کردند که "قیمت‌های سنگین کنونی جنس بواسطه خریداری جنس از طرف ما نیست." (همان: ۸۶) دنسترویل ادعا داشت توسط دایره اطلاعات خود در شهر آگاه شده که علیرغم کمیاب بودن اجناس و احتیاج مردم به آن، این محترکان محلی همدان هستند که به خاطر بالا بردن قیمت گندم‌ها، آن را در انبارهایشان پنهان کرده‌اند. (همان: ۸۲) از سویی روستاییان و رعایا هم که می‌توانستند به یاری مردم شهر بیایند راضی به ارائه محصولاتشان هرچند به مقدار کم و ناچیز به شهرنشینان همدان نبودند، آنان شاید از این هراس داشتند که با فروش غلات، بعد از مدتی خود دیگر چیزی برای خوردن نداشته باشند. (همان: ۱۷۱).

۳.۵ نقش نیروهای بیگانه

با آغاز جنگ جهانی اول در اروپا و نقضی طرفی ایران از سوی سربازان بیگانه، مناطق بزرگی از کشور آماج حملات بی‌رحمانه آنان قرار گرفت. در علت‌شناسی قحطی در مقطع زمانی این پژوهش و با یک واقع‌بینی تاریخی، اگر نه مهم‌ترین، می‌بایست بیشترین نقش را در این زمینه متوجه این نیروها دانست. اینکه از سه نیروی مهاجم به منطقه همدان، کدام یک

بیشترین سهم را در نابودی این سرزمین حاصلخیز داشته و قحطی و مرگ‌ومیر مردم بی‌گناه در منطقه بر عهده کدام‌یک از دولتین بوده است را باید به بحث گذاشت. با رویارویی نیروهای ژاندارم و سالداتهای روسی، حضور نیروهای خارجی در این منطقه قطعیت یافت و بحران توسط آنان وارد مرحله جدیدی گردید. تعداد زیاد نیروهای متخاصم، خود از علل عمده قحطی بود. در برهه‌ای از زمان در محور کرمانشاه-همدان حدود ۱۸۰۰۰ نیروی روس ژنرال باراتف در مقابل ۲۳۰۰۰ نیروی ترک صف‌آرایی کرده‌اند که بیش از نیمی از آنان در همدان و مناطق اطرافش مستقر بوده‌اند. (ماپرلی، ۱۳۶۹: ۲۷۵). روستایی در اطراف همدان بانام کوریجان از جمعیت هفتصد خانواری آن در اثر جنگ جز تلی از خاک و اجساد متعفن و سگ‌های هار چیزی باقی نمانده بود. (سالور، ۱۳۷۸: ۴۸۹۵/۷). خریدهای عمده قشون متحد و متفق تمام ذخایر بازار شهرهای منطقه را از بین برده بودند. (دنسترویل، همان: ۱۳۸) درگیری‌ها جان افراد بی‌پناه و غیرمسلح شهری را تهدید می‌کرد و آنان برای نجات جان خود به غارها پناه می‌برند. (آبادیان، همان: ۲۲۲). همدان که خود زمانی از تولیدکنندگان اصلی و از تأمین‌کنندگانغله در کشور بوده، در اشغال بیگانه دست‌به‌دست گشته و محصولاتش در انبار دیگران است. (مجد، همان: ۹۸) با این مقدمه و ورود به بحث اصلی می‌توان مشارکت نیروهای بیگانه در قحطی همدان و منطقه را در رفتارشناسی سربازان آنان پیگیری کرد تا نقاط روشن‌تری برای ادامه بدست آید.

۱.۳.۵ عثمانی‌ها

اینان از اولین نیروهایی بودند که جنگ را با عدم احترام به بی‌طرفی ایرانیان آغاز کردند. آنان با شعار اتحاد مسلمانان از غرب و شمال غربی وارد کشور شدند. قشون علی احسان پاشا که توانسته بودند روس‌ها را از کرمانشاه تا نزدیکی‌های قزوین به عقب برانند اینک در همدان پایگاه فرماندهی خود را مستقر کرده بودند. به همراهی آنان نیروهای ژاندارم به رهبری ماژور محمد تقی خان پسیان و جمعی از مهاجرین نیز مهمان مردم همدان می‌شوند. (کسروی، همان: ۶۶۴/۲) حضور هزاران سرباز (ذکر صدمات، همان: ۲۸) مسئله آذوقه را جهت تأمین منابعینان به بحران جدیدی تبدیل کرده است (اتحادیه، همان: ۱۴۵) لاقلاً در منطقه همدان برخلاف کردستان (سالور، همان: ۴۷۷۰/۶) نیروی عثمانی بر روی مردم شهر آتش نگشودند و چیزی به زور نستاندند و هراندازه روس‌ها به رعیت و املاک روستایی صدمه وارد آوردند رفتار ترک‌ها با محبومهر بانبروایت شده است (همان: ۴۵۹۵/۶).

اما مدتی بعد وبا در معرض خطر قرار گرفتن بغداد توسط انگلیسی‌ها، سربازان علی احسان بیگ دستور عقب‌نشینی دریافت می‌کنند و به رسم تشکر از مردم همدان آنچه به دستشان می‌رسد به قیمت‌های بسیار ارزان‌تر از ارزش واقعی آن از مردم گرفته و پس می‌نشینند. آنان هفت هزار الاغ و قاطر و شتر از مردم همدان گرفته و با خود می‌برند (نواب رضوی، ۱۳۸۸: ۶۳۹) در مدت توقف اردوی عثمانی‌ها در همدان از مالیه شهر مقدار پنج هزار خروار جنس می‌گیرند اما در موقع خروج از شهر تنها ششصد خروار تحویل می‌دهند. (سالور، همان: ۴۷۶۹/۶) در مجموع در مدت حضور عثمانی‌ها، وضعیت امنیت جاده‌ها مناسب و دست راهزنان از چپاول مردم کوتاه گردید. سربازان مسلمان از دست‌درازی به ناموس مردم شهری و روستایی همدان منع شده بودند (ذکر صدمات، همان: ۲۸)

۲.۳.۵ روس‌ها

اما آن نیرویی که خاطره حضورشان در همدان را تا سال‌ها مردم منطقه از یاد نبردند، روس‌ها بودند. از همان روزهای شروع نبردها، یک نفرت عمومی نسبت به نیروهای روس در مناطق تحت اشغال به وجود آمد که تا سالیان متمادی ادامه داشت (رضازاده ملک، ۱۳۵۱: ۲۱۹). بر اساس گزارش یک مأمور نظامی، تعداد روس‌ها چهل هزار نفر از نیروهای سپاه قفقاز بود. (اریاب، ۱۳۸۳: ۱۵۷). حجم زیاد آذوقه خریداری‌شده روزانه توسط روس‌ها آن هم در یک منطقه نه‌چندان وسیع در مقایسه با خراسان و آذربایجان، گرانی طبیعی را به بار آورده بودند. با عقب‌نشینی روس‌ها پس از شکست از عثمانی، آنان هر آنچه را که به‌زور از مردم ستانده و در انبارها ذخیره کرده بودند با خود برده‌وحتی باقیمانده آذوقه خود را نیز آتش زده تا به دست نیروهای مردمی نرسد. (یوسفی نیا، ۱۳۸۸: ۱۷۰). در بهار سال بعد، با به خطر افتادن بغداد، سپاه عثمانی از همدان خارج شده و روس‌های تزاری به سرعت جانشین آنها می‌شوند و تمام مسیر سرراه از همدان تا کردستان، تمامی دهات و روستاها را به نابودی می‌کشانند. آنان با انتخاب "پترات چی" از اهالی ایرانی منطقه، قحطی و گرانی را مجدداً به ارمغان می‌آورند. (ذکر صدمات، همان: ۲۸). همدان را می‌توان در کنار قزوین از مهم‌ترین مراکز استقرار ارتش تزاری دانست. اجحاف روس‌ها در قبال مردم همدان به خصوص کسبه بازار بسیار بی‌رحمانه بود. آنان به‌طور معمول پولی برای اجناس خود پرداخت نمی‌کردند. مردم نیز در مقابله بازارها رابسته بودند. با کمک اهالی، آذوقه یک ماه مردم و قشون روسی با مشقتی فراوان تأمین شده و کسبه تشویق می‌شوند تا فعلاً بازارها را باز کنند.

از دیگر رفتار روس‌ها به نابودی کشاندن روستاها و غارت محصولات و اموال روستاییان منطقه می‌باشد. باین طرز رفتار آنان، کشاورزان که اموالشان به یغما رفته و از کشت و زرع باز مانده اند از منطقه متواری شده (فرمانفرمایان، ۱۳۸۶: ۲۹۶) و وروستاهای بی‌صاحب فراوانی بعد از جنگ بجا ماندند. با بروز انقلاب اکتبر و دستور خروج نیروهای روسی از ایران، رفتار این سربازان وارد مرحله دیگری گردید. رفتارشناسی این گروه عظیم از مهاجمان، از آثار و بقایایی که از خودشان در طول حرکت از همدان تا انزلی بر جای گذارده بودند قابل بررسی و تعمق است. آنان هرچه که به دستشان می‌رسید حمل می‌کردند. (سالور، همان: ۱۷۷۷/۶) و هر کجا که می‌توانستند از اشاعه بیماری و قحطی دریغ نمی‌کردند. (احرار، همان: ۱۰۵۳/۲). سربازان به هیجان آمده روسی، همدان را دوبار غارت و چپاول کردند. (سالور، همان: ۱۸۶۹/۶). آنان مردم و مالکان را مجبور به تحویل آذوقه می‌کردند تا توشه راه برای بر گشت خود داشته باشند. سالدات روس که گرسنه بود هر جور که میل داشت با مردم منطقه رفتار می‌کرد. (سالور، همان: ۱۸۶۹/۶) تعداد زیاد قشون روس به حدی بود که جاده همدان تا قزوین از حرکت بی‌نظم و ترتیب آنان پوشیده شده بود. (دنسترویل، همان: ۴۳) و در این راه دست تعرض به نوامیس مردم نیز دراز کرده بودند. (سالور، همان: ۱۷۳۳/۶) در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۷ ق هر ناظری که از همدان گذر می‌کرد آنچه که می‌دید فضای شهر همدان بود که از قوای روسی موج می‌زد. عبور و مرور مردم عادی ناممکن شده بود و تمام وسایل نقلیه در اختیار روس‌ها قرار داشت و البته هیچ مسافری از ترس "تعرض و آزار" اینان جرات مسافرت نداشته است. (مردوخ، ۱۳۷۹: ۵۸۶). نکته جالب، نقطه نظر انگلیسی‌ها در مورد روس‌ها است. آنان محبوبیت آلمان‌ها در بین ایرانیان را به خاطر رفتارهای "تجاوز کارانه" و "بی‌فرهنگی" و "بی‌وجدانی" نیروهای روسی دانسته‌اند (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۱۱۷). در گزارشی جالب از رفتار سربازان عصیانگر آمده که آنان به جای آنکه هیزم مورد نیاز خود را از بیابان‌ها و زمین‌های اطراف روستاها جمع‌آوری نمایند، به روستاها هجوم برده و تیرک خانه‌های روستایی را درآورده و می‌سوزانند. (مجد، همان: ۱۰۶)

۳.۳.۵ انگلیسی‌ها

نیروی سومی که در سال‌های پایانی جنگ میهمان مردم همدان و منطقه بودند نیروهای انگلیسی ژنرال دنسترویل معروف به دنسترفورس بودند. حضور این نیروها در همدان

واستقرار آنها همزمان است با قحطی و گرسنگی مردم شهر و منطقه. نویسندگان و محققان راجع به این حضور بریتانیایی‌ها و نقش آنان در قحطی کاملاً به دو دسته تقسیم شده‌اند. عده‌ای آنان را مهمترین عامل بروز قحطی دانسته و رفتار دوستانه آنها را تلاشی برای پنهان کردن نقش انگلیس در خرید فراوان آذوقه و غله فرض کرده‌اند. (مجد، همان: ۹۷) و یا نقش آنان را در قحطی هم پایه محترکان داخلی پنداشته‌اند. (آبادیان، همان: ۲۶۷) در طرف مقابل، نویسندگان و ماموران انگلیسی در تضاد کامل با این ادعا مطالبی را چه در اسناد و چه در خاطرات خود ذکر نموده‌اند. در پایان جنگ و اوایل سال ۱۹۱۸م که نیروهای روس در حال تخلیه همدان بودند و نیروهای عثمانی تنها در مناطقی از شمال غربی و کردستان فعالیت داشتند، نیروهای ژنرال دنسترویل از طریق کرمانشاه و اسد آباد وارد همدان می‌شوند. دلیل اصلی عنوان شده برای ورود این نیروها به منطقه، طرح و برنامه‌ریزی برای شروع عملیاتی گسترده در جهت امن کردن جاده همدان - قزوین و قزوین - رشت - انزلی از احتمال حمله نیروهای جنگل و طرفداران آلمانی و عثمانی آنها در جهت ممانعت از رسانیدن کمک به باکو برای مقابله با نیروهای بلشویکی بود. (احرار، همان: ۱۰۳۹/۲) اما حضور افراد دنسترویل از هر جهت فشار مضاعفی بر مردم منطقه بود. (باست، ۱۳۷۷: ۱۶۹) هم چنین در جهت جلوگیری از نفوذ مجدد عثمانی با توجه به خالی شدن تدریجی منطقه از نیروهای روسی، دنسترویل خود را ملزم به اشغال این ناحیه می‌دیده است. (فرمانفرمایان، همان: ۲۹۲) بزرگترین مشکل دنسترویل در همدان، کسب آذوقه و مواد غذایی لازم در جهت تأمین نیازهای افرادش بود که منجر به انبار کردن این مواد کمیاب می‌شود. اما وی محترکان محلی همدان را عامل اصلی قحطی و گرانی معرفی کرده و مسئولیت آن را به‌طور کامل از عهده خود و افرادش دور ساخته است. وی تعداد نیروهای خود در همدان را بسیار محدود و تنها شامل "دوازده نفر صاحب منصب و دو نفر نویسنده و چهل و یک نفر شوfer" اعلام کرده است. (دنسترویل، همان: ۹۰) دنسترویل در کل خاطراتش به غیر از متهم کردن محترکان محلی از دموکراتهای همدان نیز به عنوان عناصر مقصر در گرانی یاد کرده و آنها را متهم می‌کند که با تهدید به قتل فروشنده‌های محلی به خاطر رساندن جنس به دست انگلیسی‌ها، وی را وادار به اقدام نموده‌اند. دنسترویل هم چنین نماینده حکومت مرکزی در همدان را از دیگر عوامل دخیل در ممانعت از ایجاد فضای آزاد خرید و فروش آذوقه در همدان معرفی کرده است. (همان: ۱۷۱) در این که دموکراتها حس خوبی نسبت به انگلیسی‌ها نداشته و از طرفداران سر سخت آلمان‌ها بوده‌اند

حرفی نیست. اما اینکه فقط با مخالفت یک حزب سیاسی، قحطی همدان روز بروز وحشتناک تر شده باشد را نمی توان درست تلقی کرد. آنان به جز "مرباجات وپیه" که مجبور به خریدن آن از بازار محلی همدان بوده‌اند دست به ذخیره کلیه "مواد اولیه و لوازم غذایی" زده‌اند که "برای عده زیادی قشون ممکن بود لازم شود." (همان: ۱۵۶) این ذخیره به اندازه‌ای بوده که آنان بتوانند به راحتی "یک بریگاد قشون را در نواحی بین همدان و قزوین و منجیل از هر حیث "نگاهداری نمایند. (همان: ۱۷۰) در دوره حکومت مصمص السلطنه بختیاری در مه ۱۹۱۸م و رجب ۱۳۳۶ق حتی ورود و خروج گندم به شهر همدان نیز در کنترل نیروهای بریتانیایی قرار داشته است. (آبادیان، همان: ۶۸۵) دنسترویل با راه اندازی و تهیه بلیط برای گرسنگان و استفاده از مردم همدان در جهت درست کردن جاده‌های شهری سعی در رفع گرسنگی اهالی کرده است. به گفته وی تلاش آنان در جهت مساعدت با مردم باعث نزدیکی اهالی به آنان شده است. (دنسترویل، همان: ۱۲۰) نکته اساسی اینجاست که مردم گرسنه‌ای که بر سر تکه‌ای نان مجبور به از هم دریدن یکدیگر بوده‌اند وقتی لقمه‌ای نان از سفره خودشان توسط بیگانگان به آنها داده می‌شده است، آیا می‌توانستند در باطن از آنان سپاسگزار باشند؟ این امری محال به نظر می‌رسد. دنسترویل در حدود چهار ماه پس از ورود به همدان این شهر را به مقصد قزوین ترک می‌کند (همان: ۱۹۳) و جانشین وی ژنرال بایرون رفتار وی در "مراقبت در مصرف گندم" را درپیش گرفته تا مقابله با قحطی ادامه یابد. (همان: ۸۲). شهرت این نیرو در مساعدت به قحطی زدگان (دنسترویل، همان: ۸۲) همان طور که عنوان شد نمی‌توانست رضایتی باطنی باشد. زمانی که شهر در دست بیگانه باشد، مواد غذایی و ورود و خروج غله در تحت نظارت آنان بوده، بلیط غذا و پول برای کارگری جاده‌ها از جیب اجنبی بیرون می‌آمده است از مردم بی‌نوا و گرسنه و محروم چه کاری ساخته بود.

۴.۵ بیماری - مهاجران

بی‌تردید در فضای جنگی و در نبود بهداشت و کمبود مواد غذایی، شیوع بیماری‌های واگیر و مسری جان باز ماندگان از قحطی رابه راحتی می‌گرفت. بیماری‌هایی چون وبا، تیفوس و از همه مرگبارتر و جهانی‌تر آنفلوآنزای اسپانیایی بود که در بین سال‌های ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۱م جان تعداد بیشماری از مردم را گرفت (آبراهامیان، همان: ۱۱۷) در هر جایی که گرسنگی و قحطی اندکی زمان داده بود تیفوئید و وبا بر جای آن تکیه زده بود. (عمیدی نوری،

۱۳۸۱: ۳۷) در آن بین این "وبا" است که اهمیت فوق العاده یافته و از هر کوچه و محله‌ای تلفاتی به بار می‌آورده است. (سالور، همان: ۶/ ۴۵۷۳). بی‌گمان همراه شدن آن با کمبود مواد اولیه، نبود بهداشت عمومی و عدم آموزش اهالی در رعایت تمیزی آبها و برکه‌ها، کشتار را افزایش داده است. از دیگر عوامل گسترش بحران در منطقه همدان، ورود ناخواسته مهاجرینی به نام "جلو" بودند که به تعداد زیاد وارد این منطقه شده‌اند. جلوها از طوایف بزرگ کرد مسیحی و تبعه عثمانی بودند که در اوایل جنگ از آن کشور مهاجرت کرده و با کمک روس‌ها مسلح شده و با عثمانی‌ها وارد نبرد شدند. (کتاب سبز، ۱۳۳۶ق: ۱۰۴) پس از شکست از ترک‌ها در ۱۹۱۸م و در اوج قحطی، این طایفه وارد منطقه همدان شده‌اند. آنان در طول مسیر جهت دستیابی به آذوقه به هر جا که می‌رسیدند غارت می‌کردند و می‌کشتند. (فرمانفرمایان، همان: ۳۱۴) رقم تعداد این آواره گان گرسنه که از ۵۹۰۰۰ نفر (مابری، همان: ۴۴۵) تا ۸۰۰۰۰ نفر (دنسترویل، همان: ۲۵۷-۲۵۹) قید شده است. بی‌گمان تغذیه این افراد که اکثراً مسلح و نا امید بوده و هر آن چه را که اراده می‌کردند، می‌توانستند به زور اسلحه از مردم همدان و روستاهای اطراف بدست آورند، مسئله بزرگ و تا اندازه‌ای غامض بوده است. تنها راه، سرعت بخشیدن به حرکت آنها از همدان به طرف مناطق غربی تر بوده است. اما ورود شمار قابل توجهی از این طایفه آنها در چند نوبت و اسکان در طول زمستان (مجد، همان: ۶۷) همان مقدار اندکی که از آذوقه‌ها باقی مانده بود را به کام این مهمان‌های ناخوانده ریخت. با شکست نیروهای دولتی و قزاق از نیروهای جنگل در ۱۳۳۸ق مردم رشت و انزلی نیز به هر علتی هراسان شهر خود را ترک کرده و از طریق قزوین خود را به مناطق به ظاهر امن تر از جمله همدان رسانده‌اند. حدود ۴۰۰۰ نفر از این افراد وارد همدان و روستاهای اطراف آن می‌شوند. (دولت آبادی، ۱۳۹۰: ۷۸۳). دیگر از عواملی که به نظر می‌رسد در عدم دسترسی مردم به مواد غذایی سهمی مهم داشته است، مشکل حمل و نقل و راه‌های منطقه بوده است. به علت نبود راه آهن در ایران (مجد الاسلام کرمانی، ۱۳۵۱: ۴) و عدم وجود جاده‌های استاندارد جهت عبور و مرور وسایل نقلیه، ارسال و حمل مواد غذایی به مناطق آسیب‌دیده از جنگ و کمک‌رسانی به مردم قحطی‌زده امکان‌پذیر نبوده است. به‌طور کلی غیر از استفاده از حیوانات بارکش وسیله دیگری جهت حمل و نقل در این منطقه موجود نبوده که آن هم توسط نیروهای روسی و عثمانی به تاراج رفته بود. به این ترتیب اگر در سایر ولایات هم آذوقه فراوان موجود بوده است به علت کمبود حیوانات

باربر و دشواری راه‌ها و گرانی حمل بار (بزرگ امید، همان: ۲۸۱-۲۸۲) کسی امکانات حمل آن را نداشته است. (رضایی، ۱۳۷۲: ۲۰۸)

۶. نتیجه‌گیری

بررسی وضعیت همدان در جنگ جهانی اول و صدماتی که در طول این دوران بر این منطقه از کشور از سوی تمامی عوامل دخیل وارد آمده است ما را به پاسخ سؤالات اصلی این پژوهش رهنمون می‌سازد. بروز جنگ‌های داخلی از بعد از استبداد صغیر و سپس حملات سالارالدوله به منطقه و درگیری نیروهای دولتی با وی منجر به تخریب بخشی از روستاها، زمین‌های کشاورزی آن، سر برآوردن اشرار محلی و عدم امنیت اقتصادی و فعالیت تجاری در همدان، خود زمینه‌های بروز قحطی را به سالیان قبل از جنگ پیوند می‌زد. مهم‌ترین و برجسته‌ترین عامل در ایجاد قحطی در همدان به صورت منفرد وجود ندارد هرچند خود جنگ را باید مقصر اصلی قلمداد کرد. اما در یک تحلیل تاریخی از واقعه و بایاری گرفتن از اسناد و خاطرات، مجموعه‌ای از عوامل مؤثر هم‌زمان و در کنار یکدیگر در ایجاد قحطی دخیل بوده‌اند. خشکسالی و کاهش ناگهانی محصولات کشاورزی منجر به کمیابی مواد غذایی و گرانی بی‌حد این مواد می‌گردد. تخریب روستاها توسط طرفین درگیر در جنگ فرصت تولید مجدد محصول را در منطقه غیرممکن ساخته بود. عدم امنیت موجب تعطیلی کسب و کار و فرار اهالی و روستائینانشده بود. رفتار سربازان روسی و بریتانیایی و از همه برجسته‌تر محترکان محلی در انبار کردن و ذخیره گندم و جو که ساده‌ترین خوراک مردم گرسنه است موجب گسترش قحطی و مرگ چندین هزار نفر از مردم همدان گشته بود. به‌طور قطع رقم دقیق کشته‌شدگان ممکن نیست، نه در آمار دولتی و نه در اسناد هیچ اشاره‌ای به تعداد جان‌باختگان این حادثه دهشت‌بار نشده است. اسناد و مدارک تا آنجا که در این تحقیق بدست آمد نه‌رقمی را قید کرده و نه حتی امکان مقایسه‌ای را فراهم می‌کند. تحقیقات گسترده به‌خصوص با دستیابی به اسناد طبقه‌بندی‌شده خارجی امکان پاسخ به سؤالات بیشتر را فراهم می‌سازد. به‌طور واضح هیچ آمادگی برای رویارویی با این بحران از طرف حکومت مرکزی وجود نداشت. نه سیستم بهداشتی مناسبی وجود داشت تا از شیوع بیماری‌های مسری جلوگیری نماید و نه جاده‌ای تا مواد غذایی را به مردم برساند. و نه مسئولی احساس وظیفه می‌کرد تا دردی از مردم دوا کند. به نظر می‌رسد این جنگ و قحطی

علیرضا علی‌صوفی و شهرام غفوری ۱۷۳

حاصل از آن باعث شد تا سالیان طولانی اوضاع اقتصادی - اجتماعی همدان، رونق بازار و شرایط کشاورزی منطقه وضعیت مطلوب و پایداری پیدا نکند.

پی‌نوشت

به کسانی اطلاق می‌شد که گندم و جو علف و ماکولات را از اهالی روستاهای حوالی جاده‌ها برای ذخیره و مصرف ارتش روس به زور و بی‌قیمت می‌گرفتند.

کتاب‌نامه

آبادیان، حسین (۱۳۸۵). ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، چاپ اول، تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴). تاریخ ایران مدرن، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، چاپ یازدهم، تهران: نی. ابراهیمی، پروین (۱۳۸۲). سیمای میراث فرهنگی استان همدان، چاپ اول، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

اتحادیه، منصوره و فرمان، بهمن (۱۳۹۱). حکایت یک زن (زندگی نامه عزت السلطنه نظام مافی)، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.

احرار، احمد (۱۳۵۲). توفان در ایران، دو جلد، چاپ اول، تهران: نوین.

ارباب، معصومه (۱۳۸۳). روابط ایران و آلمان در جنگ جهانی اول، چاپ اول، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.

اولسون، ویلیام. جی (۱۳۸۰). روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول، ترجمه حسن زنگنه، چاپ اول، تهران: شیرازه.

باست، اولیور (۱۳۷۷). آلمانی‌ها در ایران، ترجمه حسین بنی‌احمد، چاپ اول، تهران: شیرازه.

بزرگ امید، ابوالحسن (۱۳۹۵). از ماست که برماست، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.

بهار، محمدتقی (ملک الشعرا) (۱۳۵۷). تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد اول، چاپ سوم، تهران: کتاب‌های جیبی.

داودی، مهدی (۱۳۷۲). عین الدوله و رژیم مشروطه، چاپ سوم، تهران: کتابهای جیبی.

دنسترویل، گ. اگر (بی‌تا). خاطرات ژنرال دنسترویل، ترجمه حسین انصاری، تهران: فرزانه.

دولت آبادی، علی محمد (۱۳۹۰). خاطرات و ملاحظات، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران: سخن.

دیوان بیگی، رضاعلی (۱۳۵۱). سفر مهاجرت در نخستین جنگ جهانی، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.

- ذکرصدمات (۱۳۹۱). اوضاع شهرستان قروه در جریان جنگ جهانی اول، به کوشش محسن صالحی، چاپ اول، سندج: دانشگاه کردستان.
- رایس، کلاراکیلیور (۱۳۸۳). زنان ایرانی و راه رسم زندگی آنان، ترجمه اسدالله آزاد، چاپ اول، تهران: کتابدار.
- رضازاده ملک، رحیم (۱۳۵۱). چکیده انقلاب، چاپ اول، تهران: دنیا.
- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۲). تاریخ ده هزارساله ایران، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران: اقبال.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۸). روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعودسالور و ایرج افشار، جلد ششم، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- سالور، قهرمان میرزا (۱۳۷۸). روزنامه خاطرات عین السلطنه، به کوشش مسعودسالور و ایرج افشار، جلد هفتم، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- سایکس، پرسی (۱۳۶۳). تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب.
- سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۸۸). سرزمین و مردم استان همدان، چاپ اول، تهران: آرام.
- سفیری، فلوریدا (۱۳۶۴). پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری فشارکی، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۰). خاطرات یک نخست وزیر، چاپ اول، تهران: علمی.
- عمیدی نوری، ابوالحسن (۱۳۸۱). یادداشتهای یک روزنامه نگار، به کوشش مختار حدیدی و جلال فرهنگمند، جلد اول، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- فروتن، مجید (۱۳۹۰). اوضاع سیاسی - اجتماعی همدان در جنگ جهانی اول، چاپ اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- فرمانفرمایان، عباس میرزا (سالار لشکر) (۱۳۸۶). جنگ انگلیس و عثمانی در بین النهرین و عواقب آن در ایران، به کوشش منصوره اتحادیه و بهمن فرمان، چاپ اول، تهران: سیامک.
- فریدالملک همدانی، میرزا محمدعلی خان (۱۳۵۴). خاطرات فرید، به کوشش مسعود فرید، تهران: زوار.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱). جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، جلد ششم، چاپ اول، تهران: توس.
- قائم مقامی، رضا (۱۳۳۴). وقایع غرب ایران در جنگ جهانی اول، چاپ اول، اراک: فروردین.
- قطبی، بهروز (۱۳۷۰). اسناد جنگ اول جهانی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر قرن.
- کتاب سبز (۱۳۳۶ق). بی طرفی ایران از بدو وقوع جنگ اول، جلد اول، بی جا: مطبعه روشنائی.
- کسروی، احمد (۲۵۳۷). تاریخ هیجده ساله آذربایجان، جلد دوم، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر.
- گرگه، اولریخ (۱۳۷۷). پیش به سوی شرق، ترجمه پرویز صدوری، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر تاریخ ایران.

- مابریلی، جیمز (۱۳۶۹). عملیات در ایران، ترجمه کاوه بیات، چاپ اول، تهران: رسا.
- مجد، محمدقلی (۱۳۸۷). قحطی بزرگ، ترجمه محمدکریمی، چاپ اول، تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مجد، محمدقلی (۱۳۹۰). اشغال ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه مصطفی امیری، تهران: مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مجدالاسلام کرمانی، احمد (۱۳۵۱). تاریخ انحلال مجلس، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مردوخ کردستانی، شیخ محمد (۱۳۷۹). تاریخ مردوخ، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- ملاتوانی، علیرضا (۱۳۷۸). ایران و دولت ملی در جنگ جهانی اول، چاپ اول، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- میروشنیکف، لی یف ایوانوویچ (۱۳۴۴). ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه ع. دخانیاتی، تهران: امیرکبیر.
- نواب رضوی، میرزا محمد (۱۳۸۸). خاطرات وکیل الدوله، به کوشش علی اکبر تشکری بافقی، جلد اول، چاپ اول، تهران: سخن.
- هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه) (۱۳۶۳). گزارش ایران (بخش گزارش دوره قاجار و مشروطیت)، به اهتمام محمدعلی صوتی، چاپ دوم، تهران: نقره.
- یوسفی نیا، علی اصغر (۱۳۸۸). مشروطه بی نقاب، چاپ اول، تهران: آرون.